

آمادگی‌ها و پیش‌نیازها در ازدواج موفق از منظر قرآن و حدیث

رباب مَطیری^۱، محمدمهدی کریمی نیا^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ سطح سه (کارشناسی ارشد) تفسیر و علوم قرآنی، پژوهشگر و معاون پژوهش مدرسه علمیّه حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، بندر ماهشهر

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

^۳ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرّس دانشگاه و پژوهشگر

چکیده

ازدواج یک سنت مقدسی است که علاوه بر دین اسلام، ادیان و مذاهب دیگر به آن سفارش و تأکیدات زیادی کرده‌اند. ازدواج یک خواسته‌ی طبیعی است که هر انسانی تمایل دارد با جنس مخالف ارتباط برقرار کند و به موجب آن زن و مرد باهم متحد و شریک می‌شوند و خانواده‌ای را تشکیل می‌دهند تا اینکه بتواند امیال و خواسته‌ها و نیازهای خود را از راه حلال تأمین نماید. خودآگاهی و خودباوری، اعتقاد و توکل به خداوند متعال، توجه به زیبایی‌ها و نقاط قوت خود، شناخت تفاوت‌های مرد و زن، احساس مسئولیت‌پذیری برای تشکیل خانواده مخصوصاً ایجاد اعتماد به نفس از مواردی است که فرد باید قبل از ازدواج نسبت به آنها آگاهی و آمادگی داشته باشد تا بتواند بعد از ازدواج، زندگی سالم و با موفقیت و آرامش داشته باشد. به همین دلیل دانستن دسته‌ای از پیش‌نیازها برای ایجاد ازدواج موفق علی‌الخصوص برای نسل‌های امروزی لازم است تا دچار مشکلات و اختلافات نشود. روش جمع‌آوری مقاله حاضر به صورت کتابخانه‌ای بوده است.

واژه‌های کلیدی: ازدواج، اعتقاد به خدا، اعتماد به نفس، خودباوری

مقدمه

ازدواج یک سنت دیرینه اجتماعی و پیمانی مقدس است که از آغاز زندگی بشر در بین اقوام و ملل، مذهبی و غیر مذهبی و در تمام اعصار با آداب و رسوم‌های مختلف وجود داشته است. زن و مرد با پیمان بستن برای تأسیس زندگی مشترک کنار هم یار و غمخوار یکدیگر باشند تا بتوانند با برطرف نیازهای همدیگر به آرامش برسند.

دختران و پسران با رسیدن به یک سنی مخصوصاً در سنین بلوغ رفته رفته احساس می‌کنند که دوست دارند با جنس مخالف ارتباط برقرار کنند و از طرفی برای اینکه دچار بی‌عفتی و گناه نشوند، بهترین راه و حلالترین راه برای رسیدن به سعادت و آرامش و آسودگی خاطر بستن پیمان مقدس بین آن دو است. ازدواج یک امر طبیعی است که همه انسانها در همه ادیان به آن تمایل دارند و تأکید ویژه‌ای برای ایجاد چنین پیمانی بین مرد و زن مخصوصاً دین مبین اسلام داشته است. به طوریکه که اسلام آن را امری مستحب و در بعضی موارد واجب دانسته است.

با توجه به بررسی‌های انجام شده منابع متعددی در زمینه ازدواج و آمادگی‌ها و پیش نیازهای آن و دیگر مباحث برای ایجاد پیوند زناشویی و تشکیل خانواده نگاشته شده است. از جمله کتاب «انتخاب همسر» اثر ابراهیم امینی در تاریخ ۱۳۹۰، «انتخاب با چشمان باز» اثر سیده بتول حسن پور در تاریخ ۱۳۹۴، و مقالاتی همچون «ازدواج از دیدگاه قرآن و سنت» از کبری فیضی در تاریخ ۱۳۸۴ به صورت جامع و عام به مبحث اهمیت، چرایی ازدواج، راههای انتخاب همسر و دیگر مسائل مربوط به پیش از ازدواج بیان شده است. اما آنچه در این مقاله مورد اهمیت واقع شده تا به آن پرداخته شود بیان آمادگی‌ها و پیش نیازهایی به منظور تشکیل خانواده و ازدواج موفق است.

اینک این سوال مطرح می‌شود که آمادگی‌ها و پیش نیازها در ازدواج موفق چیست؟ ازدواج چه فوایدی دارد؟ آیا خودباوری و خودآگاهی از موارد آمادگی و پیش نیازهای قبل از ازدواج محسوب می‌شود؟ آیا فرد پیش از ازدواج لازم است رفتارها و احساس مسئولیت خود را برای تشکیل خانواده را بسنجد و آنها را تقویت نماید؟ به همین دلیل قصد داریم در این مقاله مواردی از آمادگی و پیش نیازها را بیان کنیم تا بتوانیم بدون مشکلات و دشواریهای زندگی سالم و موفق برای نسلهای جوان امروزی که یکی از مسائل مهم و دغدغه‌ی جامعه‌ی کنونی است، برطرف نمائیم. و از طرفی بیان تعریف و فوائد ازدواج، خودباوری، توجه به زیبایی‌های خود، توجه به نقاط قوت خود، اعتقاد به خداوند متعال و توکل بر او، تقویت رفتار و عاداتهای پسندیده و نیکو، ایجاد احساس مسئولیت برای تشکیل خانواده، قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری و شناخت تفاوت‌های زن و مرد از موارد بسیار مهمی است که هر فردی قبل از تشکیل خانواده باید آنها را مدنظر بگیرد تا بتواند آمادگی لازم برای پیوند زناشویی و ازدواج موفق داشته باشد.

۱. تعریف لغوی و اصطلاحی «ازدواج»

ازدواج، مصدر باب افتعال، و حروف اصلی آن، «ز - و - ج» است. از نظر لغت «زوج» به معنای جفت، (در مقابل فرد) (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۹۱/۲). عبارت از دو چیز همراه و قرین است؛ چه مماثل باشند، مانند دو چشم و دو گوش، و چه متضاد مانند شب و روز (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۳۶۱/۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۸۴؛ سایت ویکی فقه (دانشنامه حوزوی)، احکام ازدواج، تاریخ و ساعت داندلود: ۱۴۰۰/۱/۱۳، ۱۱:۲۰، <http://wikifeqh.ir>).

ازدواج یا نکاح در اصطلاح، پیمان و قراردادی است که به موجب آن یک زن و مرد باهم شریک و متحد می‌شوند و خانواده‌ای را تشکیل می‌دهند. یا قراردادی است که برای تشکیل خانواده و ادامه زندگی مشترک بین زن و مردی برابر موازین قانونی و شرعی بسته می‌شود و پس از آن حقوق و تکالیفی ایجاد می‌کند (فیضی، ۱۳۸۴: ۱۴۰).

۲. آشنایی با فوائد ازدواج

ازدواج و تأسیس کانون زندگی مشترک خانوادگی یکی از بهترین و مهمترین رسوم اجتماعی انسانها است که از فطرت و آفرینش ویژه آنها مایه می‌گیرد. سنتی است بسیار مقدس و مفید که مورد قبول انسانها در طول تاریخ بوده است. ازدواج از ضروریات زندگی انسانی به شمار می‌رود و ترک آن یک امر غیرمعارف و خروج از سنت اجتماعی محسوب می‌شود. ازدواج اگر با اندیشه و بر طبق معیارهای صحیح انجام بگیرد فوائد و منافع مهمی را دربردارد که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود:

الف) کسب استقلال: دختر و پسر، قبل از ازدواج، جزء خانواده‌ی پدر و مادر و تابع آنها محسوب می‌شوند، طبعاً خواهان استقلالند لیکن از این حق مشروع محرومند. غالباً محصول کسب و کارشان صرف خانواده می‌شود که خود نیز از آن ارتزاق می‌نمایند. در تصمیم‌گیریها استقلال ندارند و ناچارند از قوانین و ضوابطی که به وسیله‌ی پدر و مادر بر خانواده حاکمیت دارد، پیروی نمایند. لیکن به وسیله‌ی ازدواج زندگی دختر و پسر دگرگون می‌شود و شکل جدیدی به خود می‌گیرد، و استقلال می‌یابد. در این زندگی نوین، دختر و پسر، زن و شوهر می‌شوند و یک واحد کوچک اجتماعی را تشکیل می‌دهند. مسئولیت می‌پذیرند و به استقلال می‌رسند. زندگی آنها هدفدار می‌شود و محصول کسب و کار و جدیتشان به واحد خانواده نویناد تعلق دارد. مسئولیت اداره خانواده جدید را برعهده می‌گیرند و خود تصمیم گیرنده می‌شوند. و بدین وسیله زندگی جدید اجتماعی را آغاز می‌کنند.

ب) انس و آرامش: یکی از خصائص و نیازهای طبیعی انسان انس و مودت و الفت است. تنها زندگی کردن بسیار دشوار و دردناک است. انسان، به انسان دیگری نیاز دارد که امین و درستکار و غمخوار و مهربان و رازنگه‌دار باشد تا با او انس بگیرد و دردودل کند و بدین وسیله آسودگی و آرامش خاطر پیدا کند. بنابراین بهترین فردی که می‌تواند این نیاز طبیعی را تأمین کند همسر است، چه زن باشد و چه شوهر. آرامش و آسودگی که در اثر ازدواج حاصل می‌شود آنقدر مهم است که خداوند متعال آن را به عنوان یکی از آیات بزرگ خویش معرفی نموده و می‌فرماید: «و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند!» (روم/۲۱).

اما باید اشاره کرد که این آرامش و آسودگی زمانی حاصل می‌گردد که همسر شایسته را انتخاب نموده تا اینکه مایه‌ی دلگرمی و آسایش برای هر دو باشد. به همین جهت می‌توان گفت که بهترین نعمت که نصیب یک انسان می‌شود همسر شایسته است. امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: «بنده خدا به فائده‌ای دست نمی‌یابد که بهتر از همسر شایسته باشد. همسری که وقتی او را می‌بیند شادمانش گرداند و در غیابش از نفس خودش و مال او نگهداری کند» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۲۷/۵؛ امینی، ۱۳۹۰: ۲۴ - ۲۱).

حفظ عفت و مصونیت از گناه، آرامش و تعادل اعصاب، تولید و تکثیر نسل، تعاون در اطاعت و نیل به ثواب، سلامت و امنیت اجتماعی از دیگر فوائد ازدواج است که دین مبین اسلام به آن اشاره کرده است (ر.ک: امینی، ۱۳۹۰: ۲۱ - ۲۹).

۳. خود باوری و خودآگاهی

خودآگاهی، اولین مؤلفه مورد توجه و تأکید دین اسلام بوده است. تأکید قرآن بر شناخت خود برای این است که افراد خودآگاه به زندگی خود حساس هستند، احساس تکلیف می‌کنند، حدود و توانایی خود را به خوبی می‌شناسند. «آیا انسان گمان می‌کند بی‌هدف رها می‌شود؟!» (قیامت/۳۶)، «که هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌گیرد * و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست» (نجم/۳۹ - ۳۸)، «هیچ کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست» (بقره/۲۳۳). انسان به

برکت تکلیف، حس مسئولیت و سعی می‌تواند از حالات منفی رها شده و به سوی سعادت ابدی حرکت نماید. مسئولیت انسان در برابر خداوند، خود بار سنگینی است که در آغاز خلقت، به آسمان، زمین و کوه عرضه شد و آنان به ضعف و ناتوانی خود اقرار کردند(احزاب/۷۲).

خدای سبحان در قرآن کریم برای نوع بشر و بلکه برای تمامی مخلوقات خود راهی معرفی کرده که از آن راه به سوی پروردگارش سیر می‌کنند(طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۵/۱). همچنین خطاب خداوند به «انسان» بیانگر این حقیقت است که خداوند نیروهای لازم را برای این حرکت مستمر الهی در وجود این اشرف مخلوقات آفرید(مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۰۰/۲۶). توجه و تفکر در معانی آیات، حقیقت وجودی انسان را روشن می‌سازد.

آگاهی و شناخت انسان از چگونگی خلقت، جایگاه خویش و مسجود فرشتگان بودن (الأعراف/۱۱) که از یکسو بیانگر استعداد ترقی و رشد(التین/۴) در وجود انسان است و از سوی دیگر امکان انحراف و طغیان او را بیان می‌کند(علق/۶)، این امور باعث می‌شود دست به انتخاب صحیح بزند که این خودشناسی پایه و اساس خدا آگاهی است.

خودآگاهی یا شناخت، خود مهمترین عامل خوشبختی و سعادت انسان در دنیا و آخرت است. بزرگان علم اخلاق با توجه به روایات و آموزه‌های دینی، از خودشناسی به عنوان مفیدترین علوم یاد کرده و آن را نخستین مرحله در سیر و سلوک اخلاقی برشمرده‌اند. شهید مطهری هم به این مطلب اشاره می‌کنند: «(آن خود) همان چیزی است که روح الهی نامیده می‌شود و با شناختن آن خود است که [انسان] احساس شرافت و کرامت و تعالی می‌کند و خویشتن را از تن دادن به پستی‌ها برتر می‌شمارد، به قداست خویش پی می‌برد، مقدسات اخلاقی و اجتماعی برایش معنی و ارزش پیدا می‌کند» (مطهری، ۱۳۹۰: ۲۸۴/۲ - ۲۸۳).

شناخت خویش در بهترین حالت به انسان امکان می‌دهد که فرد، آگاهی از احساسات تند یا طوفانی خود داشته باشد تا تسلیم پستی‌ها نشود. از نگاه قرآن خودآگاهی یعنی شناختن علایق خود، کشف نقاط مثبت و منفی و هدف از آن رسیدن به تکامل انسانی است. آیت الله مصباح یزدی این شناخت را برای تکامل انسان لازم می‌داند(ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ۱۱).

بنابراین آگاهی از خود و خصوصیات مختلف خویش، به انسان کمک می‌کند با توانایی‌ها، ضعف‌ها و سایر خصوصیات خود آشنا شود؛ همچنین در صورت برخورد با طرف مقابل و تشکیل زندگی مشترک، بهتر و عمیق‌تر با مسائل روبه‌رو شود. این خودآگاهی به شخص نشان می‌دهد که چگونه می‌تواند احساسات خود را بشناسد، از وجود آنها آگاه شود و به وقت لزوم کنترلشان کند تا منجر به کمترین میزان ناراحتی شود. خودآگاهی، موجب شناخت نیازهای افراد و یافتن راه مناسب برای رویارویی با آنها می‌شود؛ همچنین اهداف زندگی را مشخص‌تر و واقع بینانه‌تر می‌کند و ارزش واقعی افراد و مسائل پیرامونشان را نمایان می‌سازد. خودآگاهی فرآیند سالم هویت‌یابی را برای انسان آسانتر می‌کند، به زندگی او آرامش می‌دهد و احساس رضایتمندی‌اش را رونق می‌بخشد.

«خودآگاهی» تضمین‌کننده‌ی استحکام وجودی فرد در هنگام بزرگسالی است و باعث پرورش روابط زن و شوهر در رویارویی با مشکلات و حل مناسب آنها می‌شود. کشف، درک و شناخت مهارت‌ها و توانایی‌های خود، به این دلیل مهم است که فرد قبل از ازدواجش بداند چه هدفی دارد تا برای ازدواج خود براساس هدف اصلی زندگی‌اش برنامه‌ریزی کند؛ مثلاً فردی که هدفش رسیدن به درجات عالی کمال معنوی است اگر با کسی ازدواج کند که هدفش رسیدن به یک زندگی تجملی و سراسر مادی است، به طور قطع پس از ازدواج، دچار مشکلات فراوانی در زندگی مشترک خواهد شد. امتیاز دیگر خودآگاهی آن است

که علت و موجبی قدرتمند برای شناخت و تشخیص تفاوت‌های بین خود و دیگران است. در این میان باید گفت شناخت تفاوت‌های زن و مرد، از مهمترین بخشهای مربوط به مهارت خودآگاهی است (حسن پور، ۱۳۹۴: ۱۲ - ۱۱).

۴. توجه به زیبایی‌های خود

زیبایی مفهومی نسبی و مبتنی بر سلیقه است و متناسب با فرهنگ و شرایط اجتماعی گوناگون تعریف می‌شود. راههای دستیابی به زیبایی تنوع یافته است و افراد برای زیبا شدن دست به هر عملی می‌زنند زیرا زیبایی تنها یک مفهوم نیست بلکه ابعادی نمادین یافته است و کنشهای آنان راهحلی عقلانی برای فرار از داغ ننگ خوردن به شمار می‌آید. زیبایی به عنوان عاملی برای کسب منزلت اجتماعی و همچنین عامل مؤثر در افزایش اعتماد به نفس محسوب می‌شود (عسکری خانقاه، مهربد، ۱۳۹۲: ۱۰۹).

امروزه تحت تأثیر رسانه‌ها، فیلمها، تابلوهای تبلیغاتی و ... گریزی از آنچه که زیبایی تعریف می‌شود وجود ندارد. امروزه ما آنچنان با بمباران تصاویر افرادی روبه‌رو هستیم که به استانداردهای زیبایی نزدیک‌اند که ناخودآگاه خودمان هم می‌خواهیم یکی از آنها باشیم. لذا در جهت دستیابی و رسیدن به آن تلاش می‌کنیم. به بیان دیگر همه باید باری باشند و فرقی هم نمی‌کند که تو یک شرقی باشی و یک سیاه یا یک سرخ. زیبایی چهره تأثیر بسزایی بر رفتار و فعالیتهای زندگی روزمره مردم دارد. بنابراین شناخت تفکرات افراد جامعه در مورد کارکردهای پیدا و پنهان زیبایی و آرایش کردن به عنوان یکی از راههای دستیابی به زیبایی ضروری است (همان، ۱۱۱ - ۱۱۰).

از طرفی شرط اساسی اعتماد به نفس خودشیفتگی است. و اساسی‌ترین مانع اعتماد به نفس، خودشکنی است. برای اینکه اعتماد به نفس داشته باشید، باید خودشیفته گردید. باید عاشق جسم و روح خود باشید. و برای رسیدن به این «خود شیفتگی» باید شناخت و درک درستی از خویشتن خویش داشته باشید. برای خودشیفتگی همین بس که بدانید «انسانید»، اشرف مخلوقاتید، تجلی کائناتید. شاهکار خداوندید. بین این همه آفریده، جماد و نبات، جاندار و بی‌جان، شما شایستگی انسان بودن را پیدا کرده‌اید و برترین موهبت‌های الهی یعنی قدرت و اراده و اختیار و تواناییهای ذهنی فوق‌العاده، به شما داده شده است.

شما در حقیقت، برگزیده آفریدگان خدا هستید. پیچیده‌ترین کامپیوترهای جهان، اگرچه به ظاهر، تواناییهای حافظه‌ای فراوان دارند، هیچگاه نمی‌توانند جایگزین حافظه شگرف شما باشند. شما بر تمام این جهان، تسلط دارید. شما قدرت خلاقیت و نوآوری دارید. شما قادرید دگرگون شوید و به شیوه‌ای کاملاً نوین به دنیا بنگرید.

کامپیوترهای امروزی، قدرت جذب، ثبت و استدلال دارند ولی هرگز این قابلیت‌های شما را ندارند. خدا در قرآن فرموده است: «شما را بر زمین و آسمان، مسلط ساختیم» (الجاثیه/۱۳).

شما جانشینان خدا هستید. هر صفتی که در خدا هست در شما هست ولی به شکل محدود. هر روز در مقابل آئینه بروید و از صمیم قلب این جملات را تکرار کنید: «تو را دوست دارم چون تو برتر از فرشته‌ها هستی. تو را دوست دارم چون تو برگزیده آفریده‌های خدا هستی. تو را دوست دارم چون تو تجلی کائنات هستی. تو را دوست دارم چون روح خدا در تو جاری است. تو شایسته ستایشی چون خداوند ستوده تو را آفریده است. تو را دوست دارم» (ر.ک: حورایی، ۱۳۸۴: ۱۳ - ۱۱).

بنابراین توجه به زیبایی درونی و بیرونی خود از جمله چشم‌ها، بینی، لبها و ... با پوشیدن لباسهای رنگی و شاد و آرایشهای متناسب با صورت و دیدن و لذت بردن از زیبایی‌های خود راهی است برای به دست آوردن اعتماد به نفس است.

۵. توجه به نقاط قوت خود

انسان خودآگاه تلاش می‌کند تا استعدادها، نقاط قوت خود را شناخته و در زندگی فعلیت بخشد. توانایی‌هایی که خداوند به انسان داده است تا به سوی کمال اوج گیرد. خداوند نیروها، غرایز و صفاتی در انسان به ودیعه گذاشته که بالقوه وسیله تکامل و ترقی و سعادت او محسوب می‌شود، اما اگر همین صفات در مسیر انحرافی قرار گیرند و از آنها سوء استفاده شود مایه شر و فساد و بدبختی خواهند بود.

انسان از جامعیت وجودی برخوردار است و به صورت موجودی که از خیر و شر ترکیب یافته است، تجلی می‌کند؛ بنابراین اگر عقل و فطرت بر او حاکم شود نقاط مثبت و اوصاف پسندیده در او بروز می‌کند، ولی اگر غضب و شهوت بر او حکومت کند صفات ناپسند در او ظهور می‌کند و در این صورت «كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» (اعراف/۱۷۹ و فرقان/۴۴) خواهد شد. افراد خودآگاه می‌توانند تعارضات درونی خود را شناسایی کرده و حتی از ضعف‌ها، بهترین بهره‌گیری را نمایند و مانع از بروز و غلبه ضعف در خودشان شوند. خداوند به فطرت انسان قدرت تشخیص خوبی و نیکویی و بدی و زشتی را بخشیده است. اگر انسان مسیر خوبی را انتخاب نمود و به آن عمل کرد رستگار و سعادت‌مند خواهد شد، اما اگر راه درست را انتخاب نکرد بدکار و بدبخت خواهد گردید (شمس/۱۰ - ۷).

در بین مخلوقات، انسان موجودی است که در قرآن کریم با ویژگی‌ها و امتیازات خاص ترسیم و تصویر شده است، در قرآن علی‌رغم اینکه انسان مورد ستایش قرار گرفته در بسیاری از موارد نیز با اوصافی ناپسند سرزنش شده است. عالی‌ترین مدح‌ها و بزرگترین مذمت‌های قرآن درباره انسان است که او را از آسمان و زمین و از فرشته، برتر و در همان حال از حیوانات پست‌تر شمرده است. از نظر قرآن انسان موجودی است که توانایی دارد جهان را مسخر خویش سازد و فرشتگان را به خدمت خویش بگمارد؛ همچنین می‌تواند به «اسفل سافلین» (پایین‌ترین درجات) سقوط کند. این خود انسان است که باید درباره خود تصمیم بگیرد و سرنوشت نهایی خویش را تعیین نماید. شهید مطهری در مورد مدح و ذم انسان معتقد است که مدح و ذم انسان از نظر قرآن به خاطر داشتن کمالات بالقوه است که انسان به منزله یک معمار، قادر است این کمالات را به فعلیت برساند. همه چیز برای انسان - خلیفه‌ی خدا - آفریده شده است (مطهری، ۱۳۹۰: ۲۷۴/۲؛ دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵: ۴۲ - ۴۰).

۶. اعتقاد به خداوند متعال و توکل بر او

انسانها در مسیر زندگی مختار هستند که براساس فطرت الهی، به منزله یک انسان کامل مثل انبیاء و اولیاء ظهور کنند، یا در مسیر انحطاطی قرار گیرند. انسان زمانی می‌تواند مدعی شود به کمال رسیده که از مرحله خودآگاهی عبور کرده و به مرحله خداآگاهی رسیده است. این انسان براساس فطرت الهی، گرایش به خداگرایی دارد؛ یعنی در فطرت انسان یک گرایش به پرستش خدا وجود دارد که وقتی این گرایش، این میل، زنده باشد، جز به وسیله پرستش خدا ارضاء نمی‌شود.

خداوند متعال نیز به این گرایش اشاره می‌کند: «پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن. این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست...» (روم/۳۰).

کسی که به مرحله خودآگاهی رسیده می‌داند که با دست خالی نیز می‌توان به موفقیت رسید البته به شرط آنکه به خداوند توکل کند. در طول تاریخ افرادی بودند که با توکل به خدا و کمترین امکانات، موفقیت‌هایی را کسب نمودند: «اعتقاد به خدا بهای هر چیز گرانبها است و نردبانی به سوی هر بلندایی» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۵/۳۷۴؛ دیلمی، ۱۴۰۸: ۳۰۹). توکل و اعتقاد به

خدا یکی از فضائل اخلاقی است که به معنای اعتماد کردن بنده به خدای متعال و واگذار کردن همه کارهای خود به او است. «کسی که بر خدا توکل کند؛ خدا او را کفایت فرماید» (طلاق/۳).

در روایات توکل به خدا هم‌ریشه و سرچشمه قوت قلب انسان، است. قوی‌ترین مردم از جهت ایمان کسی است که توکل او بر خدا بیشتر باشد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «هر که دوست دارد از همه مردم نیرومندتر باشد باید به خدا توکل کند» (شعیری، بی‌تا: ۱۱۷؛ دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵: ۴۴ - ۴۲).

۷. قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری

زندگی هر انسانی در برابر مجموعه‌ای از انتخاب‌ها قرار دارد. با چه کسی دوست شود؟ چه شغلی برای او مناسب است؟ با چه کسی ازدواج کند؟ اگر انسان خودش را خوب ارزیابی نکرده باشد، نمی‌تواند در این امور تصمیم درستی بگیرد. به طور مثال اگر نداند که فرد درون‌نگری است در ازدواج به این مسئله فکر نخواهد کرد و ممکن است انتخاب ناموفق داشته باشد. متأسفانه در برخی از ازدواج‌ها این مسائل مورد توجه قرار نمی‌گیرد و نتیجه‌ی آن ازدواج‌های ناموفق است.

انسان مختار با به کارگیری عقل، فهم صحیح از امور و دریافت درست از هستی خواهد داشت (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۵۳) و در برخورد با مشکلات زندگی، خود را نمی‌بازد و با استقامت و پایداری (همان) از وجود مشکل به بهترین وجه استفاده می‌کند. در واقع انسان، خود عامل شکست‌ها و موفقیت‌ها و پیروزی‌ها و رهایی و رستگاری و سعادت و شقاوت است. «راه را به او نشان داده‌ایم؛ یا سپاسگزار باشد یا ناسپاس» (انسان/۳).

انسان به منزله‌ی مهمترین و برترین مخلوق خداوند و به دلیل برخورداری از قوه تفکر و تعقل و برخورداری از عنصر اختیار، قادر است که راه درست و صحیح یا راه نادرست را انتخاب نماید. مثلاً انسان در موقع عصبانیت قادر است آن را به نحو احسن مدیریت کند یا عصبانی شود و رفتار نامناسب از خود نشان دهد.

شهید مطهری به این نکته ظریف اشاره می‌کند: «برای موجود مختار همیشه در دنیا دو دعوت وجود دارد؛ از یک طرف دعوت به خیر و صلاح و از طرف دیگر دعوت به شر و فساد و این، انسان است که در میان این دو دعوت باید به حکم اختیار خودش دعوت به خیر و صلاح را بپذیرد؛ مصداق «وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ» (بلد/۱۰) و مصداق «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان/۳) است» (مطهری، ۱۳۹۰: ۲۷۸/۴).

به یقین انسانها در برابر اعمال و رفتار خود می‌توانند واکنش‌های متفاوتی داشته باشند. به طور مثال فردی اگر بخواهد انفاق کند باید بتواند بر جاذبه مال دوستی خود غلبه نماید. آیت الله مصباح یزدی این مقاومت را به عنوان یک ارزش برای انسان قلمداد می‌کند: «انسانها نیرویی دارند که می‌توانند در برابر جاذبه‌های قوی نیز مقاومت کنند و اینگونه نیست که در مقابل کشش‌های طبیعی صرفاً حالت انفعالی داشته باشند و همین است که به کار انسان ارزش می‌بخشد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ۱۰۶).

حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) توجه زیادی به مسئله اختیار انسان و آزادی او داشته است. امام معتقد است که تنها خود انسان است که می‌تواند خود را به مقام انسانی برساند یا از این مقام دور کند. «می‌توان سرچشمه تمام سعادت‌ها و شقاوت‌ها و درجات و درکات را آن مقام (مقام مملکت باطن و نشئه «ملکوت») دانست» (خمینی، ۱۳۸۰: ۱۲).

از طرفی انسان قدرت تصمیم‌گیری و تفکر و حتی مهارت آنها را باید داشته باشد. تصمیم‌گیری نیاز به مهارت دارد. انسانها به صورتهای مختلفی تصمیم‌گیری می‌کنند؛ خواه این تصمیم درباره‌ی معامله یا اشتغال به کاری باشد، خواه به ازدواج مربوط شود. تصمیم‌گیری عقلانی نیز مانند بقیه‌ی مهارتها، دارای اصولی مهارتی به ترتیب زیر است:

- ۱- رو به رو شدن با یک تصمیم: زمانیکه فرد متوجه می‌شود باید تصمیمی بگیرد، روی آن تمرکز می‌کند و ضمن روشن کردن موضوع تصمیم، اطلاعاتی که به آن نیاز دارد را جمع‌آوری می‌کند.
- ۲- حق انتخاب و بررسی تصمیم براساس اطلاعات: با راه‌حلهای و اطلاعاتی که فرد به دست آورده است، این حق را می‌یابد تا تصمیمی درست برای انتخاب در ازدواج یا انجام دادن کار مدنظرش بگیرد.
- ۳- ارزیابی پیامدهای پیش‌بینی شده‌ی حق انتخاب: فرد پیامدهای متفاوت انتخابها را بررسی و ارزیابی کند تا معقول‌ترین آنها را انتخاب کند.
- ۴- تعهد به تصمیم: به تصمیمی که گرفته می‌شود، باید پایبند بود و به آن اعتقاد داشت.
- ۵- برنامه‌ریزی برای انجام تصمیم: حتی تصمیم عقلانی نیز نیاز به برنامه‌ریزی دقیق دارد.
- ۶- اجرا یا انجام تصمیم: در این مرحله فرد به صورت عملی وارد مراحل اجرای برنامه‌ی خودش می‌شود؛ مثلاً تصمیم به ازدواج که مرحله‌ی همچون خواستگاری، نامزدی، خرید و ... دارد.
- ۷- ارزیابی پیامدهای واقعی اجرا کردن یا انجام دادن تصمیم: فرد در این مرحله به بررسی و ارزیابی تصمیمی می‌پردازد که یا ناموفق بوده یا موفقیتی را که انتظار داشته، به دست نیاورده است. فرد در این هنگام مرحله‌ی را که پشت سر گذاشته است، بررسی می‌کند تا برای تصمیم آینده‌اش برنامه‌ریزی کند (حسن پور، ۱۳۹۴: ۲۱ - ۱۹).

۸. تقویت رفتار و عاداتهای پسندیده و نیکو

دین اسلام همواره پیروان خود را به حُسن خلق و نرم‌خویی و ملایمت در گفتار و رفتار فراخوانده و از درشتی و تندخویی بازداشته است؛ چون این آموزه یکی از مهمترین عوامل قدرت، موفقیت و پیروزی انسان در زندگی است. چنانچه همین، عامل موفقیت پیامبران الهی بویژه پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در جذب قلوب انسان‌ها و گسترش دین بوده است. از آن روی خدای مهربان پیامبران و سفیران خود را از میان انسان‌های مهربان و خوش اخلاق برگزیده تا بهتر و آسان‌تر در قلب‌ها نفوذ کنند و آنان را به سوی معرفت الهی رهنمون باشند. خدای تعالی درباره حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) که مصداق کامل حُسن خلق است، می‌فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ؛ و یقیناً تو بر ملکات و سجایای اخلاقی عظیمی قرار داری» (قلم/۴).

در زمینه خوش خلقی و برخورد خوب با همه مردم، روایات فراوانی در منابع اسلامی دیده می‌شود که به حدّ تواتر می‌رسد، تعبیراتی که در این روایات در برابر این فضیلت اخلاقی آمده است در کمتر مورد دیگری دیده می‌شود، این تعبیرات بیانگر نهایت اهتمام اسلام به این مسئله مهم اخلاقی است. که در این جا به ذکر چند حدیث بسنده می‌شود: امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت می‌کند که فرمود: «خداوند اسلام را برای شما برگزید، اینک با سخاوتمندی و خوش خلقی با آن به خوبی معاشرت کنید، زیرا شایسته نیست رفاقتی با دین مگر با سخاوت و حسن خلق» (طبرسی، ۱۳۷۹: ۴۶۵). این تعبیر نشان می‌دهد که عصاره تعلیمات اسلام همان حُسن خلق است. در حدیثی از حضرت امام علی (علیه السلام) می‌خوانیم: «سرلوحه نامه عمل انسان با ایمان، حُسن خلق او است» (شعیری، بی تا: ۱۰۷). می‌دانیم آنچه در عنوان و سرلوحه نامه اعمال قرار می‌گیرد، بهترین و مهم‌ترین آنها است و به تعبیر دیگر، چیزی است که قدر جامع همه اعمال نیک است و قبل از هر چیز نظرها را به خود متوجه می‌سازد.

اینک لازم است جهت تحصیل خوش اخلاقی در زندگی راهکارهای را مدنظر بگیریم و به آنها عمل کنیم اما نکته‌ای که پیش از پرداختن به این راهکارها لازم است گفته شود، این است که عامل زیربنایی برای خوش رفتاری، عوامل شخصیتی است

که در بالا بیان شد؛ زیرا تنها چیزی که اثری عمیق بر روابط ما با دیگران می‌گذارد، همین عوامل است. عوامل رفتاری بدون داشتن پشتوانه شخصیتی، فقط تأثیر موقتی دارند. بعضی از مردم به طور طبیعی خوش اخلاق و خوش برخوردند و این یکی از مواهب الهی است که نصیب هر کس نشده است. باید خدا را با تمام وجودش شکر گوید، ولی گروهی چنین نیستند، اما می‌توانند با تمرین و ممارست و به کار بستن اصولی دقیق، حسن خلق و خوش اخلاقی را در وجود خود زنده کنند و چنان در عمق جانیشان نفوذ کند که طبیعت ثانویه شود. در این جا برخی از راه کارهای تحصیل خوش اخلاقی و مبارزه با بداخلاقی و علاج آن، که در کتاب‌های اخلاقی آمده، بیان می‌شود:

۱. توجه به ارزش و آثار معنوی و مادی خوش اخلاقی و آثار نیک آن و همچنین زشتی بداخلاقی و آثار بد آن؛ برای این منظور بهترین راه، مطالعه آیات و روایاتی است که در زمینه خوش اخلاقی و بداخلاقی وارد شده است.

۲. تمرین و ممارست؛ یعنی تمرین عملی خوش اخلاقی هنگام برخورد با دیگران. تمرین یکی از عوامل رشد و پرورش صفات اخلاقی است. برای انجام رفتار و کردار پسندیده‌ای همچون خوش اخلاقی و خوش رویی، باید تمرین کرد تا به آن عادت نمود. حضرت امام علی (علیه السلام) فرمود: «نفس را به انجام اعمال پسندیده عادت ده» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۳۱). تمرین و تکرار نسبت به یک خصلت زیبا یا زشت، آن را به صورت عادت یا طبیعت دوم انسان در می‌آورد؛ امام علی (علیه السلام) فرمود: «عادت، طبیعت دوم است» (اللیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۳۰). وقتی چیزی به صورت عادت درآمد، به تدریج اعضا و جوارح انسان را کنترل کرده، بر وجود او مسلط می‌شود؛ به فرموده امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می‌فرماید: «عادت بر هر انسانی حکومت می‌کند» (همان، ۴۰۳).

هر کس قادر است در مدتی با یک تصمیم قوی و عزم جزم با رعایت اصل تدریج، به تمرین عملی در این زمینه بپردازد و در این مدت با رویی گشاده، لبی خندان و رابطه‌ای صمیمی برخورد نماید، نرم و زیبا سخن بگوید، که قطعاً نتایج خوبی خواهد گرفت. یکی از مهمترین کارهایی که در این زمینه باید تمرین کرد سلام و احوال‌پرسی توأم با تبسم، دست دادن همراه با صمیمیت و احترام، اولین راه مؤثر ارتباطی، به منظور تمرین خوش اخلاق بودن و جلب محبت دیگران است. چنانچه در آموزه‌های دین اسلام، نسبت به سلام کردن، مصافحه، احترام و محبت، سفارش و اهتمام فراوان شده است.

۳. مطالعه احوال انسان‌های خوش اخلاق و بداخلاق؛ در جامعه افراد خوش اخلاق و بد اخلاق فراوانند. با کمی دقت در احوال دیگران خواهیم دید که افراد خوش اخلاق در زندگی و روابط خود موفق‌تر و شادتراند، سالم‌تر زندگی می‌کنند و بیشتر مورد احترام مردم هستند. و در مقابل؛ افراد بداخلاق منزوی، و دارای شخصیتی شکننده‌تر هستند و از زندگی خود جز رنج و زحمت نصیبی ندارند.

۴. پرورش عواطف انسانی: یکی از ابعاد مهم وجودی انسان عواطف طبیعی، انسانی و ایمانی او است. دوست داشتن دیگران و ایجاد رابطه عاطفی با سایر انسان‌ها قابل رشد و تربیت است. انسان‌های مهربان شاخص‌ترین و دوست داشتنی‌ترین افراد جامعه هستند. قسمت بزرگی از لذت و شادی زندگی از طریق ایجاد ارتباط عاطفی با دیگران تأمین می‌شود. باید توجه نمود که این شادی و لذت از طریق خوش اخلاقی؛ یعنی ایجاد رابطه عاطفی مثبت، محبت کردن و دوست داشتن دیگران به دست می‌آید و بد اخلاقی که در واقع همان رابطه عاطفی منفی است، موجب کدورت و عذاب زندگی خواهد بود و دیگران را از گرداگرد انسان می‌پراکند. حتی وقتی کسی عمیقاً غمگین و ناراحت است، سعی کند خود را شاد نشان دهد و تبسم نماید. چنان‌که امام علی (علیه السلام) در توصیف مؤمن می‌فرماید: «شادی مؤمن در چهره او، و اندوه وی در دلش پنهان است» (نهج البلاغه، حکمت ۳۳۳).

از طرفی حسن خلق و خوش اخلاقی دارای آثار و پیامدهای مادی و معنوی که به شرح زیر است:

۱. از بین بردن گناهان؛ رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «اخلاق نیک، گناهان را ذوب می‌کند و آثار بد آن را می‌شوید» (کراجکی، ۱۴۱۰: ۱/۱۳۵).

۲. پاداش روزه‌دار شب زنده‌دار؛ در حدیث دیگری از همان حضرت می‌خوانیم: «دارنده حُسن خلق پاداشی همچون روزه‌دار شب زنده‌دار دارد» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۱۰۰).

۳. زدودن کینه‌ها؛ در حدیثی از پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) می‌خوانیم: «خوش‌رویی، کینه را می‌زداید» (همان، ۱۰۴).

۴. جلب محبت خدا و مردم؛ امام صادق(علیه السلام) فرمود: «کارهای نیکو و خوش‌رویی، جلب محبت کنند و به بهشت در آورند، و بُخل و ترش‌رویی و عبوس بودن، از خدا دور کنند و به دوزخ درآورند» (همان، ۱۰۳).

۵. در حدیث دیگری از امیرمؤمنان علی(علیه السلام) می‌خوانیم: «هیچ زندگی، گواراتر از زندگی آمیخته با اخلاق نیک نیست» (اللیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۵۳۹). و روایات زیاد دیگری که از مجموع آنها اهمیت و آثار فوق العاده حُسن خلق به معنای اول و دوم آن، در زندگی مادی و معنوی انسان‌ها، و تأکیدی که اسلام بر این امر دارد، به خوبی نمایان است، به گونه‌ای که می‌توان حُسن خلق را یکی از اساسی‌ترین تعلیمات اسلام شمرد (سایت زاهدان تبیان، راهکارهای خوش اخلاقی در زندگی چیست؟، تاریخ و ساعت دانلود: ۱۴۰۰/۱/۱۲، ۱۷:۲۰، <http://www.zahedan-tebyan.ir/cms/printit.asp?id=34017>).

بنابراین وظیفه‌ی هر انسانی جهت ورود به زندگی‌ای که توأم با آرامش و عشق و محبت نسبت به یکدیگر باشد، خوش اخلاقی و خوش رفتاری است. زندگانی به واسطه خوش اخلاقی شیرین و گوارا می‌شود و خوش خلقی منشأ هر نیکی و رفتار پسندیده خواهد بود. در پرتو سعی و کوشش و با اصلاح رفتار خود می‌توان موجبات خوش اخلاقی را فراهم کرد. خوش اخلاقی از ایمان انسان سرچشمه می‌گیرد و با ازدیاد آن، افزایش پیدا می‌کند. در روایت، اخلاق نیک نصف دین شمرده شده است. عامل دیگر ایجاد خوش اخلاقی، تمرین و مداومت است. با تمرین زیاد و مستمر باید خود را به نیک‌خویی با همسر و فرزندان عادت داد.

از ویژگیهای افراد مؤمن، نرم‌خویی و رفتار توأم با ملاطفت و فروتنی است. هر کس خوی نرم داشته باشد، از محبت دایمی دودمانش برخوردار خواهد بود. نرم‌زبانی از دیگر مظاهر خوش اخلاقی است که موجب افزایش دوستان و کاهش دشمنان می‌گردد. و از طرفی آمادگی و رشد انس و محبت در محیط خانواده، اولین اثر خوش اخلاقی است و اثر دیگر آن، از بین رفتن اختلافات خانوادگی است. در پرتو خوش اخلاقی می‌توان محبت خویش را در دل همسر و نیز همدلی و صمیمیت را در محیط خانواده به وجود آورد و زندگی را پاکیزه و شیرین ساخت (سایت حوزه نت، اخلاق خانواده - خوش اخلاقی، تاریخ و ساعت دانلود: ۱۴۰۰/۱/۱۲، ۱۷:۲۰، <https://hawzah.net/fa/LifeStyle/View/47792>).

۹. ایجاد احساس مسئولیت‌پذیری برای تشکیل خانواده

از جمله عوامل مؤثر در تأمین سعادت خانواده مسئولیت‌پذیری متقابل همسران است. هر یک از زن و مرد باید بدانند که برای تشکیل خانواده و قبول زندگی مشترک مسئولیتهایی برعهده آنان قرار می‌گیرد که پیش از تشکیل خانواده از آن آسوده بودند؛ این مسئولیتهای با توجه به اختیارات، تواناییها و شرایط خاص هر یک از زن و شوهر برعهده آنان قرار می‌گیرد. رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «مرد نگهبان اهل بیت خود است، و هر نگهبانی در مورد آنچه که باید از آن نگهبانی

کند، مسئول است، و زن نگهبان مال همسرش است و نسبت به آن مسئول می‌باشد» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵: ۲۵۵/۱). و نیز می‌فرماید: «همه شما نگهبان و مسؤول هستید، ... مرد بر خانواده‌اش نگهبان است و نسبت به آنان مسئول می‌باشد و زن بر خاندان همسر و فرزندان او مسئول است» (همان، ۱۲۹).

این مسئولیت در جانب مرد از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا وی عهده‌دار سرپرستی خانواده است و در نتیجه در قبال تمام مسائل و مشکلات فکری، روحی، اخلاقی و اقتصادی همسر و فرزندان خود مسئول است و طفره رفتن و شانه خالی کردن از زیر بار این مسئولیتها و بی‌تفاوتی نسبت به آنها آفت بزرگی برای زندگی خانوادگی محسوب می‌شود.

غفلت از شناخت مسئولیت‌های گوناگون خانوادگی، آثار زیانبار بسیاری به همراه داشته، در نهایت موجب پشیمانی و حسرت انسان خواهد شد. بدین جهت، ضرورت دارد که هر انسانی پیوسته درباره مسئولیت‌های خانوادگی خود بیندیشد و با شناخت کامل به انجام دقیق آنها همت گمارد. امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می‌فرماید: «هر مردی نسبت به زیردست و خانواده خود مسئول است» (اللیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۳۹۶).

۹-۱. جلوه‌های مسئولیت پذیری

بعضی از نمودهای مسئولیت پذیری زن و شوهر در زندگی خانوادگی عبارتند از:

۱- تأمین هزینه زندگی

شوهر وظیفه شناس و مسئول نسبت به خانواده در تأمین هزینه زندگی از قبیل غذا، لباس، مسکن، اسباب و اثاثیه منزل و سایر مخارج لازم کوشش فراوان می‌کند. او کار کردن را شرف انسان، جوهر زندگی و جهاد فی سبیل الله می‌داند. از این رو، از تنبلی کردن به شدت می‌پرهیزد و در راه تحصیل روزی حلال تلاش می‌کند، رنج می‌برد، عرق می‌ریزد و خسته می‌شود تا زندگی را با آبرومندی اداره کند و نیازهای همسر و فرزندان خود را با شرافت تأمین کند.

۲- مدیریت خانواده

شوهر که مدیر خانه است، با تدبیر و دوراندیشی ویژه خود سیاست‌های کلی خانواده را تعیین می‌کند و در ایفای مسئولیت سرپرستی و جلب اطاعت همسر - از پیش - زمینه پذیرش و اطاعت را در او فراهم می‌کند، به امکانات و روحیات همسر خویش توجه کرده، در حدّ توان از او انتظار خواهد داشت؛ تنها در کار نیک و معروف به او فرمان می‌دهد و از خود رأیی در این زمینه دوری می‌کند و می‌داند که اگر فرمانی برخلاف فرمان خدا باشد، پذیرش و اطاعت همسر لازم نیست.

او طوری زندگی را رهبری می‌کند و به خانواده نشاط، خرمی، نظم و انضباط می‌بخشد که همسر و فرزندان او را به عنوان سرپرست واقعی می‌شناسند و اطاعت او را بر خود لازم می‌شمارند. زن وظیفه شناس نیز قدر زحمتهای شوهرش را می‌داند، به رهنمودها و دستورهای او احترام می‌گذارد، مدیریت او را در امور زندگی می‌پذیرد و مطابق دستوراتش عمل می‌کند و از این طریق ادامه زندگی مشترک را میسر می‌سازد.

۳- همسرمداری

مرد مسئول، زن را در دست خود امانت الهی دانسته، و نسبت به او احساس وظیفه می‌کند، به شخصیت، افکار و اعمال او احترام می‌گذارد، به نشاط و غذای روحی او و دیگر اعضای خانواده می‌رسد، در امور خانه و زندگی مشترک با همسر و فرزندان خود مشورت می‌کند و به آنها بال و پر می‌دهد. زن وظیفه شناس نیز به نظریات شوهر احترام می‌گذارد، از او اطاعت می‌کند، از صفات خوب او تشکر کرده، و با او مدارا می‌کند، از توقع خود می‌کاهد، و در حفظ مال، ناموس و آبروی شوهر می‌کوشد.

۴- تربیت اولاد

نمود دیگر مسئولیت پذیری، در تربیت اولاد آشکار می‌شود، زن و شوهر وظیفه شناس، در تربیت صحیح و اسلامی فرزندان خود نهایت تلاش خود را به کار می‌گیرند و در تمام مراحل رشد فرزند، اعم از دوران حمل، شیرخوارگی و پس از آن خود را نسبت به تربیت صحیح وی مسئول دانسته و دستوراتی را که اسلام در این زمینه ارائه نموده، اجرا می‌کنند.

اهمیت این مسئولیت به اندازه‌ای است که امام سجاد(علیه السلام) از خداوند سبحان برای ادای این تکلیف استمداد طلبیده، عرض می‌کند: «... وَ اعْتَنَى عَلَى تَرْبِيَتِهِمْ وَ تَأْدِيبِهِمْ وَ بَرَّهْمَ؛ بار خدا یا مرا در تربیت، تأدیب و نیکی به فرزندانم یاری فرما» (صحیفه سجاده، دعای ۲۵). و نیز آن حضرت در بیان حق فرزند نسبت به پدر و مادر می‌فرماید: «حق فرزند بر تو، این است که بدانی وجود او از تو است و نیک و بدهای او در این دنیا به تو وابسته است، و بدانی که تو در تربیت او از [قبیل] حسن ادب و ... مسؤول هستی» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۷۵/۱۵).

۲-۹. آثار مسئولیت پذیری

این ویژگی اخلاقی دارای آثار فراوانی است که گستره آن بیشتر مسائل زندگی را در بر می‌گیرد. اینک به دو اثر کلی که نقش ویژه‌ای در تأمین سعادت خانوادگی دارد، می‌پردازیم:

۱. استحکام پیوند خانوادگی

از آثار مستقیم احساس مسئولیت، به دست آوردن موفقیت در امور زندگی است. کسی که تمامی وظایف خانوادگی خود را می‌شناسد و یکایک آنها را با علاقه فراوان انجام می‌دهد، بدون شک در تمامی امور زندگی موفق می‌شود. همسر او نیز از اینکه وی از وظایف و تکالیف خود آگاه است، خشنود می‌گردد.

بسیاری از عقب ماندگی‌ها در زندگی خانوادگی، معلول نشناختن مسئولیت‌ها و گریز از انجام وظایف خانوادگی است. اگر هر یک از زن و شوهر وظایفی را که بر عهده آنان است، تشخیص داده، به آن عمل کنند، چرخ زندگی آنها در مسیر مطلوب خویش قرار گرفته، امور زندگیشان رونق خواهد یافت، و هر گونه سرپیچی از آن به استحکام این کانون، ضربه خواهد زد. مردی که در قبال مسئولیت‌های خانوادگی سهل انگاری کرده و از زیر بار اداره زندگی، شانه خالی می‌کند و با تن آسایی خود، خانواده اش را در معرض فقر اقتصادی قرار می‌دهد و آنان را در برآوردن نیازهای اولیه خود یاری نمی‌رساند، در حقیقت بزرگترین ضربه را به سعادت خانوادگی خود زده است.

۲. آسایش روحی

ایفای وظیفه متقابل همسران، موجب اطمینان خاطر یکدیگر گشته و دغدغه‌های روحی ناشی از عدم مسئولیت پذیری همسر را از بین می‌برد، بدین جهت با آسایش فکری و روحی به زندگی ادامه داده و روح آنان دچار تشویش و اضطراب نمی‌شود. علاوه بر این، با وجود روحیه مسئولیت پذیری متقابل در همسران، ریشه اختلافات خانوادگی از بین رفته، زن و شوهر در جوّ سالم و با روحیه‌ای امیدوار به انجام وظایف خود می‌پردازند.

۳-۹. عوامل پیدایش روحیه مسئولیت پذیری

با توجه به آثار ارزنده‌ای که روحیه مسئولیت پذیری بر سعادت خانوادگی انسان دارد، شایسته است که هر یک از زن و مرد در صورت کمبود این روحیه، درصدد جبران آن برآیند. در این زمینه عوامل فراوانی مؤثر است که به دو عامل اشاره می‌کنیم:

۱. اعتماد به نفس

یکی از عوامل مهم تقویت روحیه مسئولیت پذیری، اعتماد به نفس است. افرادی که دارای چنین روحیه‌ای هستند، در توانایی خود برای انجام مسئولیت شک و تردید ندارند و همواره از مسئولیتها استقبال می‌کنند و موفقیت خود را در گرو ایفای مسئولیت می‌دانند. برعکس، کسانی که فاقد اعتماد به نفس هستند، از قبول مسئولیت طفره می‌روند، زیرا در توانایی خود در انجام مسئولیت، دچار شک و تردید هستند و قبول مسئولیت را با شکست، مساوی می‌دانند؛ بدین جهت از پذیرفتن مسئولیت، شانه خالی کرده، از آن دوری می‌کنند.

برای اصلاح چنین افرادی باید روحیه اعتماد به نفس و مسئولیت پذیری را در آنان تقویت کرد. چنین افرادی با انجام کارهایی که در توان آنهاست و کسب موفقیت در آن، بتدریج اعتماد به نفس پیدا می‌کنند، زیرا ایفای مسئولیت منجر به استحکام شخصیت و موفقیت آنها در زندگی می‌شود و زندگی را در کام آنها شیرین می‌کند. در نتیجه، برای قبول مسئولیت شتاب بیشتری از خود نشان می‌دهند. برای پرورش این روحیه در همسر نیز، می‌توان از طریق تشویق وی به انجام مسئولیتها و ایجاد حس اعتماد به نفس به این هدف دست یافت.

۲. تأثیر پذیری از همسر

عامل دیگری که موجب تقویت روحیه مسئولیت پذیری انسان می‌شود، معاشرت با افراد مسئولیت پذیر است، زیرا به واسطه تأثیرپذیری از روحیات دیگران، صفت مسئولیت پذیری بتدریج در او تقویت می‌شود. روشن است که وجود چنین روحیه‌ای در انسان، موجب سرایت این صفت به همسر او خواهد شد و همچنین تأثیر فراوانی در مسئولیت پذیری فرزندان آن خانواده می‌گذارد. برعکس، اگر انسان فاقد چنین روحیه‌ای باشد، اما از همسر خود انتظار داشته باشد که تمام مسئولیتها را بخوبی انجام دهد، توفیقی در این زمینه به دست نخواهد آورد. بنابراین، لازمه ایجاد روحیه مسئولیت پذیری در محیط خانواده این است که مرد خانواده، بیش از هر کس این روحیه را در خود تقویت کند تا با گذشت زمان در همسر و فرزندان خود تأثیر گذارد.

بنابراین هر دختر و پسر برای تشکیل خانواده در حله‌ی اول بدانند که هر کدام در مقابل دیگری چه وظایفی و چه مسئولیتی دارند و توانایی خود را بسنجند. باید بدانند که زندگی خانوادگی براساس مسئولیت مشترک همسران بنا نهاده شده است و مسئولیت پذیری متقابل همسران از عوامل مهم سعادت خانوادگی محسوب می‌شود. هر یک از زن و شوهر در قبال نیازها و مشکلات همسر خود مسئول است. دامنه این مسئولیتها به وظایف شرعی همسران محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد و جنبه‌های اخلاقی را نیز در بر می‌گیرد. غفلت از مسئولیتها خانوادگی عواقب زیانباری دارد، بدین جهت شناخت دقیق مسئولیتها و انجام آن ضرورت می‌یابد.

استحکام پیوند خانوادگی و آسایش روحی، یکی از اثرات سازنده مسئولیت پذیری در خانواده است. با ایجاد حس اعتماد به نفس می‌توان روحیه مسئولیت پذیری را در خود و دیگران ایجاد کرد. تأمین هزینه زندگی و نیز مدیریت و ایفای نقش رهبری در منزل از ناحیه مرد و قدرشناسی از زحمات مرد و احترام به رهنمودها و دستوراتش از ناحیه زن، همسراری و تلاش در تربیت صحیح اولاد از ناحیه طرفین از جمله جلوه‌های مسئولیت پذیری زن و شوهر می‌باشد که اسلام در مورد آنها رهنمودهایی ارائه کرده است (سایت حوزه نت، اخلاق خانواده - مسئولیت پذیری، تاریخ و ساعت دانلود: ۱۴۰۰/۱/۱۲، ۱۸:۰۱).

<https://hawzah.net/fa/LifeStyle/View/47782>

۱۰. شناخت تفاوت‌های زن و مرد

در سخنی کلی می‌توان گفت انسانها، تفاوت‌های بسیاری با یکدیگر دارند و دلایلشان نیز متنوع و متعدد است؛ اما تفاوت‌های موجود میان زن و مرد تفاوت‌های عمده‌ای است. برخی از این تفاوت‌ها ریشه در عوامل فیزیولوژیکی و زیستی دارند و بعضی نشئت گرفته از عوامل فرهنگی و اجتماعی هستند. اغلب این تفاوت‌ها شدید و تأمل انگیز است و باید در ازدواج و زندگی مشترک به آنها توجه ویژه‌ای داشت. از جمله‌ی این اختلافات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) دیدگاه زنان و مردان درباره‌ی ارتباط و مسائل جنسی متفاوت است؛ این تفاوت در واقع ریشه‌ای زیستی دارد؛ رابطه‌ی جنسی در زنان با عواطف مثبت و احساسات گره خورده است در حالیکه در مردها، بیشتر جنبه‌های فیزیولوژیک دارد و ارضای یک غریزه به حساب می‌آید. دیگر آنکه جنبه‌های عاطفی این احساس در مردها، بسیار کمتر از آن احساسی است که در زنها وجود دارد. این تفاوت‌ها و آگاهی یا ناآگاهی از آنها، گاهی موجب سوءتفاهم و برهم خوردن روابط میان زوجین می‌شود.

ب) استقلال برای مردان اهمیت بسیاری دارد؛ استقلال مردها از عوامل مهم در زندگی مشترک است؛ چون آنها می‌خواهند درباره‌ی مسائل مالی، معاملات و سایر امور مشابه، مستقل عمل کنند. مخالفت همسر یا بی‌توجهی او به این نکته می‌تواند مشکلات و موانعی در زندگی مشترک ایجاد کند؛ زیرا مرد تصور می‌کند که به احساس استقلالش، لطمه خورده است.

ج) زنان می‌خواهند حمایت شوند و به این حمایت اهمیت می‌دهند؛ چنانچه زن از طرف همسر بی‌توجهی و بی‌مسئولیتی حس کند، به شدت آزرده می‌شود و واکنش‌های عاطفی شدید نشان می‌دهد.

د) مدیریت خانه برای مردها بسیار مهم است؛ با مراجعه به فرهنگ‌های مختلف در جوامع گوناگون، خواهیم دید که «مرد» قدرت اول خانواده شناخته شده است که البته این مسئله را باید جدا از تبعیض‌های جنسی میان زن و مرد، به حساب آورد. در خانواده‌هایی که زن بدون نظرخواهی و مشورت همسرش درباره‌ی مسائل خانوادگی تصمیمی اتخاذ می‌کند یا اینکه قدرت اول خانواده است، معمولاً مشکلات زیادی مشاهده می‌شود که آسیب‌دیدگی احساس مرد، یکی از این ناراحتی‌هاست. البته اینکه مرد قدرت اول خانواده باشد بدان معنا نیست که همانند یک دیکتاتور عمل کند؛ بلکه منظور، نقش مدیریتی است که باید برعهده‌ی مرد قرار بگیرد.

البته باید اشاره کنیم تفاوت‌های دیگر بین مرد و زن وجود دارد که عبارتند از: ۱- صحبت کردن و ارتباطات اجتماعی برای زنان مهم است. ۲- نگاه مردان به مسائل، کلی‌تر است. ۳- جذابیت‌های جسمی و آراستگی برای مردان بسیار اهمیت دارد. ۴- زنها عاطفی‌تر از مردان هستند (حسن پور، ۱۳۹۴: ۱۶-۱۲).

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر تحت عنوان «آمادگی‌ها و پیش نیازها در ازدواج موفق» است. ازدواج یک پیمان مقدسی است که از اولیه زندگی بشر با آداب و رسوم‌های مختلف در بین اقوام و ملل، مذهبی و غیر مذهبی بوده است. ازدواج یک خواسته‌ی طبیعی است که بین هر دختر و پسری وجود دارد که در سنین بلوغ رفته رفته این احساس و نیاز را پیدا می‌کنند که با جنس مخالف ارتباط برقرار کنند به طوریکه از بی‌عفتی و گناه دوری کنند بنابراین ازدواج با رعایت موازین و قوانین شرعی و عرفی بهترین روش و حلالترین راه برای رسیدن به آرامش و سعادت است که به موجب آن زن و مرد باهم متحد می‌شوند و خانواده‌ای را تشکیل می‌دهند تا اینکه بتواند امیال و خواسته‌ها و نیازهای خود را از راه حلال تأمین نماید.

بنابراین برای رسیدن به آرامش، آسودگی خاطر و ایجاد محیطی آرام برای خانواده لازم است که هر فردی پیش از ازدواج مواردی را نسبت به خودآگاهی و آمادگی و پیش نیازهایی را برای تقویت آن جستجو نماید و کاستی‌ها را برطرف نماید. به همین دلیل هر دختر و پسر نیاز است در وهله اول مفهوم و فوائد ازدواج را بدانند، نسبت به خود باور و آگاهی داشته باشند، نسبت زیبایی‌ها و نقاط قوت خود توجه نماید، اعتقاد به خداوند متعال و توکل بر او داشته باشد، رفتار و عاداتی پسندیده و نیکو خود را تقویت کند، احساس مسئولیت پذیری برای تشکیل خانواده و توانایی تأمین نیازها و مایحتاج آنها را در خود ایجاد کند، بتواند درست و صحیح در برابر همه مسائل تصمیم‌گیری و انتخاب نماید و از طرفی تفاوت‌های بین زن و مرد را به خوبی بشناسد. پس بیان چنین مواردی بسیار مهم است که هر فردی قبل از تشکیل خانواده باید آنها را مدنظر بگیرد تا بتواند آمادگی لازم برای پیوند زناشویی و ازدواج موفق را داشته باشد.

منابع

- * قرآن کریم.
- * نهج البلاغه.
- * صحیفه سجاده.
- فهرست کتب فارسی
- ۱. امینی، ابراهیم، (۱۳۹۰)، انتخاب همسر، چاپ بیستم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- ۲. حسن پور، بتول، (۱۳۹۴)، انتخاب با چشمان باز، چاپ دوم، مشهد، انتشارات مؤسسه خدمات مشاوره‌ای و پژوهشهای اجتماعی آستان قدس رضوی.
- ۳. حورایی، مجتبی، (۱۳۸۴)، اعتماد به نفس در ۱۰ روز، چاپ بیست و هشتم، تهران، دکلمه گران.
- ۴. خمینی، روح الله، (۱۳۸۰)، شرح چهل حدیث، چاپ بیست و چهارم، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله علیه).
- ۵. دهقانی فیروزآبادی، رویا، (۱۳۹۵)، راهبری اعمال در پرتو خودآگاهی و خویشتن داری، چاپ اول، قم، مرکز نشر هاجر.
- ۶. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، (مترجم: محمدباقر موسوی همدانی)، ج ۱، چاپ پنجم، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۷. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۶)، انسان شناسی در قرآن، چاپ چهارم، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله علیه).
- ۸. _____، (۱۳۹۶)، خودشناسی برای خودسازی، چاپ بیستم، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله علیه).
- ۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۰)، مجموعه آثار، ج ۲ و ۴، چاپ اول، تهران، انتشارات صدرا.
- ۱۰. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۲)، تفسیر نمونه، ج ۲۶، چاپ دهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- فهرست کتب عربی
- ۱۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، (۱۴۰۵)، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه، (محقق و مصحح: مجتبی عراقی)، ج ۱، چاپ اول، قم، دار سیدالشهداء للنشر.

۱۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴)، لسان العرب، (محقق و مصحح: جمال الدین میردامادی)، ج ۲، چاپ سوم، بیروت، دارصادر.
 ۱۳. اللیثی الواسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶)، عیون الحکم و المواعظ، (محقق: حسین الحسنی البیرجندی)، چاپ اول، قم، دارالحديث.
 ۱۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶)، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، (محقق و مصحح: مصطفی درایتی)، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات.
 ۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، ج ۱۵، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت(علیهم السلام).
 ۱۶. دیلمی، حسن بن محمد، (۱۴۰۸)، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت(علیهم السلام).
 ۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲)، مفردات ألفاظ القرآن، (محقق و مصحح: صفوان عدنان داوودی)، چاپ اول، بیروت، دارالقلم.
 ۱۸. شعیری، محمد بن محمد، (بی تا)، جامع الأخبار، چاپ اول، نجف مطبعة حیدریه.
 ۱۹. طبرسی، علی بن حسن، (۱۳۷۹)، مشکاة الأنوار، (مترجم: عبدالله محمدی و مهدی هوشمند)، چاپ اول، قم، دارالثقلین.
 ۲۰. کراجکی، محمد بن علی، (۱۴۱۰)، کنز الفوائد، (محقق و مصحح: عبدالله نعمه)، چاپ اول، قم، دارالذخائر.
 ۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، الکافی، (محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، ج ۲ و ۵، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
 ۲۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳)، بحارالانوار، ج ۷۵، چاپ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
 ۲۳. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸)، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فهرست مقالات
۲۴. عسکری خانقاه، اصغر، مهرداد، طاهره، (۱۳۹۲)، "بررسی انسان شناختی مفهوم زیبایی صورت مطالعه موردی جوانان ۳۰ - ۲۰ ساله منطقه ۱۵ تهران"، پژوهشهای انسان شناسی ایران، شماره ۱.
 ۲۵. فیضی، کبری، (۱۳۸۴)، "ازدواج از دیدگاه قرآن و سنت"، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آستارا، دوره اول.
- فهرست سایتها
۲۶. سایت حوزه نت، اخلاق خانواده - خوش اخلاقی، تاریخ و ساعت داندود: ۱۴۰۰/۱/۱۲، ۱۷:۲۰، <https://hawzah.net/fa/LifeStyle/View/47792>
 ۲۷. _____، اخلاق خانواده - مسئولیت پذیری، تاریخ و ساعت داندود: ۱۴۰۰/۱/۱۲، ۱۸:۰۱، <https://hawzah.net/fa/LifeStyle/View/47782>
 ۲۸. سایت زاهدان تبیان، راهکارهای خوش اخلاقی درزندگی چیست؟، تاریخ و ساعت داندود: ۱۴۰۰، ۱۷:۲۰/۱/۱۲، <http://www.zahedan-tebyan.ir/cms/printit.asp?id=34017>
 ۲۹. سایت ویکی فقه (دانشنامه حوزوی)، احکام ازدواج، تاریخ و ساعت داندود: ۱۴۰۰/۱/۱۳، ۱۱:۲۰، <http://wikifeqh.ir>